

## بررسی نقل‌های مختلف جریان لباس امام حسین علیه السلام در هنگام شهادت

محمد حسین فیض اخلاقی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۲۰

### چکیده

مبارزه امام حسین علیه السلام با ستمگران و واقعه عاشورا، از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ شیعه است که سبب زنده نگاه داشتن اسلام شد؛ اما تاریخ عاشورا نیز مانند بسیاری از تواریخ دیگر از تحریف و تصحیف مصون نمانده است. یکی از گزاره‌هایی که در طول تاریخ، تغییر پیدا کرده، جریان لباس امام حسین علیه السلام در زمان شهادت است. با این‌که بعضی از محققان به اختلافات نقل‌های گزاره یادشده پرداخته‌اند، اما این مسئله تاکنون در یک مقاله مستقل به صورت کامل واکاوی نشده است. کیفیت لباس اباعبدالله علیه السلام در برخی منابع، به‌ویژه پس از عصر صفوی، نسبت به مصادر اولیه واقعه، متفاوت گزارش شده است. بنابراین، بررسی آن برای صیانت از تاریخ روز عاشورا ضرورت دارد. نوشتار حاضر در سه بخش به جریان لباس در منابع متقدم، پیش از قرن دهم و پس از آن پرداخته و تبیین کیفیت لباس امام علیه السلام و

۱. دانشجوی ارشد کلام امامیه در دانشگاه قرآن و حدیث (feyz1313@chmail.ir).

ارائه الگو برای چگونگی نقد مقاتل از فواید آن است.  
کلیدواژه‌ها: سیره امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، وقایع روز عاشورا،  
نقد مقاتل، روضه خوانی عصر صفوی، مقتل خوانی، تاریخ و  
سیره، فقه الحدیث تاریخی.

## مقدمه

تاریخ تشیع، همواره فراز و فرودهایی داشته که تأثیر بعضی از گزاره‌های آن بسیار پررنگ‌تر از گزاره‌های دیگر است. یکی از پراهمیت‌ترین برگ‌های تاریخ شیعه، مبارزه اباعبدالله الحسین علیه السلام با حکومت ستمگریزید و رقم خوردن واقعه عاشورا است. واقعه‌ای که بنا بر سخنان بسیاری از اسلام‌شناسان و حتی مستشرقان، اگر اتفاق نمی‌افتاد، دین اسلام به یقین از میان می‌رفت یا بی‌خاصیت می‌شد. همچنین، روز عاشورا، سبب بیداری مسلمانان و وقوع قیام‌های ایشان در مبارزه با حکومت مستکبران و بدعت‌گزاران شد.

وقایع نگاشته شده در کتاب‌های تاریخی، همیشه در معرض تصحیف یا تحریف بوده و کمتر پیش می‌آید که یک واقعه مهم و بزرگ، دستخوش کوچک‌ترین تغییری قرار نگرفته باشد. تاریخ روز عاشورا نیز از وضعیت یادشده مصون نمانده و متأسفانه برخی گزاره‌های آن در طول زمان به تصحیف یا تحریف دچار شده یا به صورتی که در مصادر اولیه آمده، نقل نشده است. جریان لباس اباعبدالله الحسین علیه السلام در روز عاشورا یکی مواردی است که در طول تاریخ گاهی دچار تغییر شده است. از این رو، واکاوی نقل‌های مختلف آن به سبب حفاظت از تاریخ دقیق روز عاشورا و ارائه مضمون معتبر درباره گزاره یادشده ضرورت دارد. مشخص کردن مضامین معتبر در تاریخ روز عاشورا با هدف این که نویسندگان مقاتل و روضه‌خوان‌ها فقط آن را نقل کنند، ضرورت بررسی گزاره‌های تغییر یافته از جمله جامه حضرت را بیشتر می‌کند. اگر چه اختلافات میان نقل‌های نویسندگان درباره جریان لباس امام حسین علیه السلام توسط برخی از محققان، واکاوی شده (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۴/۴۵۸-۴۴۶؛ قزوینی، ۱۴۱۵: ۲۹۹-۳۰۳؛ جواهری، ۱۳۹۷)، ولی تاکنون در یک مقاله مستقل به صورت کامل به آن پرداخته نشده است.



لباس امام حسین علیه السلام در زمان شهادت در مصادراولیه ناقل این واقعه و همچنین بسیاری از منابع قبل از قرن دهم، تقریباً به یک صورت تصویر شده و در کتاب‌های پس از قرن دهم، گاهی از اوقات با تفاوت جدی نسبت به آن، ثبت شده است. در این مقاله، درباره متون منابعی بحث می‌شود که با مصادراولیه اختلاف دارد؛ به ویژه به اختلاف جدی و بسیاری از متونی که اختلاف جزئی دارد یا مشابه متن کتاب دیگری است نیز اشاره می‌گردد. برای آگاهی از کیفیت نقل‌ها در طول تاریخ به صورت دقیق، متن برخی منابع قرون مختلف با وجود تشابه یاد شده، آورده می‌شود.

این نگاشته با هدف واکاوی نقل‌های مختلف درباره چگونگی لباس حضرت در هنگام شهادت، نوشته شده و تبیین کیفیت لباس امام علیه السلام و معرفی منابع و مقاتلی که وقایع کربلا را نقل کرده‌اند از فواید آن به شمار می‌رود. همچنین، آگاهی از امکان نقل متفاوت یک گزاره در طول تاریخ و نیز ارائه الگو برای چگونگی نقد مقاتل از دیگر فواید این مقاله است.

بررسی مصادراولیه ناقل ماجرا برای دستیابی به ابعاد دقیق آن و به جهت مقایسه مطالب منابع بعدی با آن، اهمیت دارد. به همین دلیل، بخش اول مقاله حاضر به منابع یاد شده می‌پردازد که مربوط به قرن دوم تا پنجم و یک منبع از قرن ششم است. پرداختن به نقل‌های کتاب‌های قرن ششم تا دهم و منابع قرن دهم به بعد نیز، بخش‌های دوم و سوم این نگاشته را تشکیل می‌دهد.

#### ۱. لباس امام حسین علیه السلام هنگام شهادت در مصادراولیه

منابع اولیه موجود که جریان لباس امام حسین علیه السلام هنگام شهادت را مطرح کرده، عبارت است از: ۱. مقتل ابومخنف؛ ۲. انساب الاشراف؛ ۳. تاریخ طبری؛ ۴. المعجم الکبیر؛ ۵. الإرشاد؛ ۶. مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی. پنج کتاب اول به ترتیب مربوط به قرن دو، سه، چهار و پنج است که همه از کتب متقدم محسوب می‌شوند. کتاب مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی (۵۶۸م) به علت نقل از کتاب‌های پیشین خود با راوی و متن کمی متفاوت به این بخش منتقل شده، وگرنه از نظر قدمت، تنها، پنج کتاب ابتدایی، مناسب

این بخش اند.

منابع یادشده به ترتیب تاریخ وفات نویسندگانش - که در هر عنوان ذکر شده - مرتب شده است. روایت های کتاب های مورد بحث، بیان شده و براساس آن درباره مضامین کتاب های بعدی داوری می شود.

#### ۱-۱. مقتل الحسين علیه السلام ابومخنف (م ۱۵۷ق)

مقتل ابومخنف یکی از قدیمی ترین منابع موجود درباره گزاره مورد بحث و وقایع روز عاشورا است که بخش هایی از آن، توسط طبری و بلاذری نقل شده است. ابومخنف داستان مربوط به جامه اباعبدالله علیه السلام را این گونه گزارش می کند:

قال أبو مخنف: حَدَّثَنِي سُلَيْمَانُ بْنُ أَبِي رَاشِدٍ عَنْ حَمِيدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: ... لَمَّا تَقِيَ الْحُسَيْنَ علیه السلام فِي ثَلَاثَةِ رَهْطٍ أَوْ أَرْبَعَةٍ دَعَا بِسِرَاوِيلٍ مُحَفَّقَةٍ يَلْمَعُ فِيهَا الْبَصْرِيَّانِي مُحَقَّقٌ فَفَزَّرَهُ وَنَكَّئَهُ لِكَيْ لَا يَسْلُبَهُ، فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: لَوْ لَيْسَتْ تَحْتَهُ ثِيَابًا، قَالَ: ذَلِكَ ثَوْبٌ مَدْلَلَةٌ وَلَا يَنْبَغِي لِي أَنْ أَلْبَسَهُ. قَالَ: فَلَمَّا قُتِلَ أَقْبَلَ بِحُرَيْنِ كَعْبٍ فَسَلَبَهُ إِيَّاهُ فَتَرَكَهُ مُجَرَّدًا. قَالَ أَبُو مَخْنَفٍ: فَحَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ شُعَيْبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَيْ يَدِي بِحُرَيْنِ كَعْبٍ كَاتِنًا فِي الشِّتَاءِ يَنْضِحَانِ الْمَاءَ وَفِي الصَّيْفِ يَبْيَسَانِ كَأَمْتَهُمَا عَوْدًا؛ (طبری، ۱۴۰۳: ۴/۳۴۵)

ابومخنف گوید: سلیمان بن ابی راشد از حمید بن مسلم مرا حدیث کرد که او گفت: هنگامی که حسین علیه السلام با سه یا چهار گروه تنها ماند، شلواریمانی محکمش را - که چشم را خیره می کرد - خواست. آن را پاره پاره ورشته رشته کرد که [کسی] آن را در نیاورد. یکی از اصحابش گفت: کاش زیر آن شلوارک می پوشیدی! فرمود: آن، لباس خواری است و برای من شایسته نیست که آن را بپوشم. [حمید] گفت: پس، زمانی که [امام حسین] کشته شد، بحرین کعب جلو آمد و آن لباس را از تن امام علیه السلام در آورد و او را برهنه رها کرد. ابومخنف گوید: عمرو بن شعیب از محمد بن عبدالرحمان برایم نقل کرد که دودست بحرین کعب در زمستان آب ترشح می کرد و در تابستان خشک می شد، گویی که چوب بود.

با توجه به این روایت، امام علیه السلام پیش بینی می کردند که پس از شهادت، لباسشان را نیز



بربایند، اما از آن جاکه شلوارک را لباس خواری می دانستند، برهنگی همراه با لباس ساتر عورت را بر دیده شدن با شلوارک ترجیح می دادند. علاوه بر آن، رؤیت امام علیه السلام با شلوارک می توانست در آینده مجوزی برای چنین پوششی محسوب شود که حضرت بدان راضی نبودند.

مضامین مورد اشاره در عبارت «ابومخنف» شامل موارد زیر است:

۱. تنها ماندن حضرت در میان سه یا چهار نفر یا سه یا چهار گروه، با توجه به کلمه «رَهْط» که هر دو معنا را شامل می شود.
۲. طلب شلوار یمانی چشم نواز.
۳. پاره کردن شلوار به جهت طمع نکردن کسی به آن.
۴. رد درخواست یکی از اصحاب برای پوشیدن شلوارک به جهت ذلیلانه بودن آن. در ادامه به رباینده لباس و بلایی که سرش می آید به دلیل بی ارتباطی به موضوع اصلی پرداخته نخواهد شد.

#### ۱-۲. انساب الأشراف، بلاذری (م ۲۷۸ق)

بلاذری در کتاب خود، چنین می نویسد:

لَمَّا تَقِيَ الْحُسَيْنَ عليه السلام فِي ثَلَاثَةِ نَفَرٍ أَوْ أَرْبَعَةٍ دَعَا بَسْرًا وَيَلَّ مَحْشُورَةً فَلَبَسَهَا؛ (بلاذری، ۱۹۵۹: ۲۰۲/۳)

زمانی که حسین علیه السلام در میان سه یا چهار نفر باقی ماند، شلوار فراگیری را طلب کرد؛ پس آن را پوشید.

متن فوق، قید توضیحی «مَحْشُورَةً» یا «فراگیر» را برای شلوار به همراه دارد. بنا بر این متن، حضرت در میان سه یا چهار نفر از یاران خود تنها مانده بودند نه سه یا چهار گروه. بنابراین کلمه «رَهْط» در گزارش «ابومخنف» باید به «نفر» معنا شود که کاربردش نیز در زبان عرب، فراوان است.

#### ۱-۳. تاریخ طبری، طبری (م ۳۱۰ق)

طبری، روایتی را از امام باقر علیه السلام می آورد:

حَدَّثَنِي زَكْرِيَاءُ بْنُ يَحْيَى الضَّرِيرُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ جَنَابِ المِصْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ القَسْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمَّارُ الدَّهْنِيُّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام حَدَّثَنِي مَقْتَلُ الحُسَيْنِ عليه السلام حَتَّى كَأَنِّي حَصْرْتُهُ قَالَ عليه السلام ... فَقُتِلَ أَصْحَابُ الحُسَيْنِ عليه السلام كُلُّهُمْ ... أَمْرٌ بِحَبْرَةٍ فَشَقَّقَهَا ثُمَّ لَيْسَهَا؛ (طبري، ۱۴۰۳: ۲۹۳/۴)

عمار دهنی گفت: به ابو جعفر عليه السلام عرض کردم: مقتل حسین عليه السلام را برایم بگو به گونه ای که گویا در آن حاضر بودم. فرمود: ... همه یاران حسین عليه السلام کشته شدند ... دستور آوردن حبره را داد. پس آن را شکافت، سپس پوشید.

«حَبْرَةٌ» پارچه ای یمنی و راه راه است (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۳۲۸/۱). در روایت یاد شده به این که همه اصحاب امام حسین عليه السلام شهید شده بودند تصریح شده و وجه جمع آن با باقی ماندن سه یا چهار نفر از یاران ایشان در متن ابومخنف این است که گاهی در لسان عرف و عرب به عموم افراد، اطلاق گُل شده است. بنابراین، روایت امام باقر عليه السلام نیز اختلافی با متن ابومخنف ندارد، جز آن که مختصرتر است.

ابن کثیر (م ۷۷۴ق) نیز حدیث طبری را نقل کرده است. (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۲۱۴/۸)

#### ۴-۱. المعجم الكبير، طبرانی (م ۳۶۰ق)

طبرانی در کتاب خویش، جریان لباس را با سند خود روایت می کند:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ العَزِيزِ ثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِسْمَاعِيلِ الطَّالِقَانِيُّ حَدَّثَنَا جَرِيرٌ عَنِ ابْنِ أَبِي لَيْلَى قَالَ قَالَ حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ حِينَ أَحْسَسَ بِالقَتْلِ إِتَّوْنِي ثَوْبًا لَا يَرَعْبُ فِيهِ أَحَدٌ أَجْعَلُهُ تَحْتَ ثِيَابِي لِأَجْرَدِ فَقِيلَ لَهُ ثِيَابٌ فَقَالَ لَا، ذَلِكَ لِبَاسٍ مَن ضُرِبَتْ عَلَيْهِ الذَّلَّةُ فَأَخَذْتُ ثَوْبًا فَمَرَّقْتُهُ فَجَعَلْتُهُ تَحْتَ ثِيَابِهِ فَلَمَّا أَنْ قُتِلَ جَرَّدُوهُ؛ (طبرانی، بی تا: ۱۱۷/۳)

... حسین بن علی - که خدا از او راضی باشد - زمانی که [نزدیکی] کشته شدن را حس کرد، فرمود: لباسی برایم بیاورید که کسی در آن رغبت نکند؛ آن را زیر لباس هایم قرار دهم [و] برهنه نشوم. به او گفته شد: شلوارک؟! پس فرمود: نه! آن، لباس کسی است که [مُهر] ذلت بر او زده شده است. پس لباسی را گرفت و پاره کرد و آن را زیر لباس هایش قرار داد. زمانی که کشته شد، او را برهنه کردند.

مضمون این روایت تقریباً با روایت «ابومخنف» مشترک است با این تفاوت جزئی که

در روایت طبرانی اشاره نشده که لباس پاره شده، شلوار بوده یا خیر. همچنین در روایت طبرانی امام علیه السلام از ابتدا لباسی را می‌خواهند که به آن رغبت نشود، در حالی که در نقل ابومخنف، شلوار چشم‌نوازی می‌خواهند و سپس آن را پاره می‌کنند تا بدان طمع نشود. ذکر موارد جزئی یاد شده از این جهت اهمیت دارد که روشن می‌کند ناقلان مصادر متأخرتر کدام نقل را در کتاب‌های خویش ثبت کرده‌اند.

مقایسه نقل طبرانی با ابومخنف نشان می‌دهد هر دو، یک رویداد را گزارش می‌کنند؛ زیرا گزاره‌هایی مانند طلب لباس، پیشنهاد شلوارک و رد آن، پاره کردن و پوشیدن لباس در هر دو مشترک است.

هر دو نقل را با هم می‌توان جمع کرد، به این صورت که حضرت، لباسی را خواستند که به آن رغبت نشود، اما برای ایشان تنها یک لباس چشم‌نواز آوردند. حضرت هم لباس چشم‌نواز را پاره کردند تا کسی در آن طمع نورزد؛ زیرا در متن طبرانی گفته نشده که امام علیه السلام لباسی را که به آن رغبت نمی‌شود پاره کردند، بلکه تنها به صورت مطلق گفته شده لباسی را پاره کردند. همچنین ممکن است برای حضرت، چند لباس آورده باشند؛ لباسی که به آن رغبت نمی‌شود، لباس چشم‌نواز و شلوارک، و امام علیه السلام ضمن رد شلوارک از دو لباس دیگر استفاده کرده باشند.

هیثمی (م ۸۰۷ق) پس از نقل روایت طبرانی، روایان سند مذکور را نیز تقه دانسته است (هیثمی، ۱۴۰۸: ۹/۱۹۳). نقل ابن عدیم (م ۶۶۰ق) نیز مشابه روایت طبرانی است. (عقیلی، ۱۴۰۸: ۶/۲۶۱۷)

#### ۵-۱. الإِرشاد، شیخ مفید (م ۴۱۳ق)

مرحوم شیخ مفید درباره کیفیت لباس اباعبدالله علیه السلام این گونه می‌نویسد:

... لَمْ يَبْقِ مَعَهُ إِلَّا ثَلَاثَةٌ نَفَرًا أَوْ أَرْبَعَةٌ فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ الْحُسَيْنِ علیه السلام دَعَا بِسَرَاوِيلَ يَمَانِيَّةٍ يَلْمَعُ فِيهَا الْبَصْرُ فَفَزَّرَهَا ثُمَّ لَبَسَهَا وَإِنَّمَا فَزَّرَهَا لِكَيْ لَا يَسْلُبَهَا بَعْدَ قَتْلِهِ؛ (مفید، ۱۴۱۴: ۱۱۱/۲)

... جز سه یا چهار نفر، کسی با حضرت باقی نماند. هنگامی که حسین علیه السلام چنین دید، شلواری یمنی خواست که چشم‌نواز بود. سپس آن را پاره کرد و آن‌گاه

پوشید و علت این که آن را پاره کرد، تنها این بود که کسی پس از کشته شدنش، آن را از تنش در نیاورد.

شیخ تنها به بحث شلوارک و ذیلانه بودنش، نپرداخته و نقل ایشان در بقیه موارد مانند نقل ابومخنف است. بنابراین، نکته‌ای را نمی‌افزاید. با این حال، برخی از شیعیان، متن مرحوم شیخ مفید را در کتاب‌های خویش ثبت کرده‌اند. نقل‌های بعضی از نویسندگان قرون دیگر، نظیر طبرسی (م ۵۴۸ق) در اعلام الوری (طبرسی، ۱۴۱۷: ۱/۴۶۸)، شامی عاملی (م ۶۶۴ق) در الدر المنظیم (شامی عاملی، بی تا: ۵۵۸)، ابن‌نمای حلی (م ۶۸۰ق) در مشیرالاحزان (حلی، ۱۳۶۹: ۵۶)، شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ق) در اثبات الهداة (حر عاملی، ۱۴۲۵: ۴/۴۳ و ۵۱)، سید محسن امین (م ۱۲۸۴ق) در لواعج الأشنان (امین، بی تا: ۱۴۲)، جزایری (م ۱۳۵۰ق) در انوار التعمانیة (جزایری، ۱۴۲۹: ۳/۱۸۴) با اندکی اختلاف، مشابه نقل شیخ مفید است.

#### ۱-۶. مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی (م ۵۶۸ق)

خوارزمی در کتاب خود به جریان جامه اباعبدالله الحسین علیه السلام اشاره می‌کند:

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمَّارٍ: رَأَيْتُ عَلِيَّ الْحُسَيْنِ سِرَاوِيلَ تَلْمَعُ سَاعَةً قَتِيلَ، فَجَاءَ أَجْرِبُ كَعْبَ فَسَلَبَهُ وَتَرَكَهُ مَجْرَدًا؛ (خوارزمی، ۱۴۲۳: ۲/۴۳)

عبیدالله بن عمار می‌گوید: دیدم شلوار حسین علیه السلام هنگامی که کشته شد، می‌درخشید. پس ابجرین کعب آمد، آن را کند و ایشان را برهنه رها کرد.

درخشش شلوار، نشان چشم نواز بودن آن است. در این نقل نیز به صورت کامل به جریان لباس، پرداخته نشده است. وی در جای دیگری از کتاب خود به صورت مرسل، چنین روایت می‌کند:

رَوَى رَجُلٌ بِلَا يَدِينِ وَلَا رَجَلَيْنِ وَهُوَ أَعْمَى يَقُولُ: رَبِّي نَجِّنِي مِنَ النَّارِ، فَقِيلَ لَهُ: لَمْ تَبْقِ عَلَيْكَ عُقُوبَةٌ وَأَنْتَ تَسْأَلُ التَّجَاةَ مِنَ النَّارِ؟ قَالَ: إِنِّي كُنْتُ فِي مَن قَاتَلَ الْحُسَيْنَ بِنِ عَلِيٍّ عليه السلام فِي كَرْبَلَاءَ، فَلَمَّا قُتِلَ رَأَيْتُ عَلَيْهِ سِرَاوِيلَ وَتَكَّةً حَسَنَةً وَذَلِكَ بَعْدَ مَا سَلَبَهُ النَّاسُ فَأَرَدْتُ أَنْ ائْتَرَعَ التَّكَّةَ فَرَفَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى وَوَضَعَهَا عَلَى التَّكَّةِ فَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى دَفْعِهَا فَفَقَطَعْتُ يَمِينَهُ، ثُمَّ أَرَدْتُ ائْتَرَعَ التَّكَّةَ فَرَفَعَ شِمَالَهُ وَوَضَعَهَا عَلَى التَّكَّةِ فَلَمْ





أَقْدِرَ عَلَيَّ دَفَعَهَا فَفَقَطَعْتُ شِمَالَهُ، ثُمَّ هَمَمْتُ بِنَزْعِ السَّرَاوِيلِ فَسَمِعْتُ زَلْزَلَةً فَخِفْتُ وَ تَرَكَتُهُ فَأَلْقَى اللَّهُ عَلَيَّ التَّوَمَ فَنَمْتُ بَيْنَ الْقَتْلَى فَرَأَيْتُ كَأَنَّ النَّبِيَّ مُحَمَّدًا ﷺ أَقْبَلَ وَ مَعَهُ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ ﷺ فَأَخَذُوا رَأْسَ الْحُسَيْنِ ﷺ فَفَقَبَلَتْهُ فَاطِمَةُ وَ قَالَتْ: يَا بُنَيَّ قَتَلُوكَ فَتَلُهُمُ اللَّهُ وَ كَأَنَّهُ يَقُولُ: ذَبْحَنِي شِعْرٌ وَ قَطَعَ يَدَيَّ هَذَا النَّائِمُ وَ أَشَارَ إِلَيَّ، فَقَالَتْ فَاطِمَةُ قَطَعَ اللَّهُ يَدَيْكَ وَ رِجْلَيْكَ وَ أَعْمَى بَصْرَكَ وَ أَدْخَلَكَ النَّارَ فَانْتَبَهْتُ وَ أَنَا لَا أَبْصُرُ شَيْئاً ثُمَّ سَقَطَتِ يَدَايَ وَ رِجْلَايَ مِنِّي فَلَمْ يَبْقَ مِن دُعَائِهَا إِلَّا النَّارُ؛ (همو)

روایت شده است مردی بدون دست و پا در حالی که نابینا بود می گفت: پروردگار من! مرا از آتش نجات بده! به او گفته شد: عقوبتی نیست که بر تو فرود نیامده باشد، آن وقت تو نجات از آتش را می خواهی؟ گفت: من از زمره کسانی بودم که با حسین بن علی ﷺ در کربلا جنگیدم. زمانی که کشته شد، دیدم براوشلووار و کمر بند نیکویی است و این مربوط به بعد از زمانی است که او را غارت کردند. پس، خواستم که کمر بند را بردارم که [امام] دست راستش را بلند کرد و روی کمر بند گذاشت. من نتوانستم آن را پس بزنم. سپس دست راستش را قطع کردم. آن گاه اراده کردم کمر بند را بردارم که دست چپش را بلند کرد و روی کمر بند گذاشت و من نتوانستم آن را پس بزنم. پس دست چپش را قطع کردم. سپس قصد برداشتن کمر بند را کردم که صدای زلزله شنیدم. ترسیدم و آن را ترک کردم. خداوند بر من خوابی القا کرد که بین کشتگان خوابیدم. خواب دیدم گویا پیامبر، حضرت محمد ﷺ جلو آمد و همراهش، علی و فاطمه و حسن ﷺ بودند. پس سر حسین ﷺ را گرفتند. فاطمه آن را بوسید و فرمود: پسر من! تو را کشتند، خدا آنان را بکشد! و [حسین] گویی می گفت: شمر، مرا ذبح کرد و دودستم را این که خواب است، قطع کرد و به من اشاره کرد. فاطمه ﷺ فرمود: خداوند، دودست و دو پایت را قطع کند و چشمت را نابینا سازد و تو را وارد آتش کند. بیدار شدم در حالی که چیزی را نمی دیدم، سپس، دودست و دو پایم از بدنم جدا شد، پس چیزی از دعایش نمانده مگر آتش.

بنا بر این نقل، امام ﷺ پس از شهادت نیز شلواری به پا داشته که البته با نقل‌های پیشین متفاوت است و از این رو اعتبار کمتری دارد. با این حال، اگر کسی حدیث یاد شده را هم نقل کند، مطلوب است؛ زیرا در عصر حاضر، متأسفانه نقل مطالب بی منبع یا

برگرفته از منابع متأخر، کم نیست و باید نقل از منابع ومقاتل معتبر- اگر چه روایت ضعیف - مرسوم و فرهنگ سازی شود، مگر این که واقعه ای به صورت یقینی مردود باشد. کتاب های المجالس العاشوریه (آل درویش، ۱۴۲۸: ۴۲۴) و شرح احقاق الحق (مرعشی نجفی، بی تا: ۱۱/ ۵۲۱) نمونه هایی از ناقلان روایت دوم خوارزمی است.

محورهای گفته شده در نقل های مصادر متقدم، محدود به موارد زیر است. طبق روایت ابومخنف، بلاذری، طبری، الارشاد و روایت اول خوارزمی:

۱. طلب شلواریمانی فراگیر و درخشان که چشم را خیره می کرد؛ ۲. پاره کردن لباس به جهت رغبت کردن کسی به آن و پوشیدنش در زیر لباس ها؛ ۳. ردّ پیشنهاد پوشیدن شلوارک به سبب ذلیلانه بودن آن.

بنا بر روایت طبرانی: ۱. درخواست لباسی که هیچ کس به آن رغبت نکند تا در زیر لباس ها قرار گیرد؛ ۲. ردّ پیشنهاد پوشیدن شلوارک به دلیل ذلیلانه بودنش؛ ۳. پاره کردن لباس و پوشیدنش. بنابراین نقل طبرانی با نقل پیشین تفاوتی ندارد.

مطابق روایت دوم خوارزمی: ۱. دیده شدن مردی بی دست و پا و نایبنا، ۲. نقل داستان او توسط خودش و این که او پس از شهادت امام علیه السلام در حالی که حضرت، شلواوری به تن داشتند، قصد سرقت کمر بند ایشان را داشته است؛ ۳. مانع شدن امام علیه السلام و قطع دستان حضرت توسط جانی؛ ۴. به خواب رفتن جانی و آمدن اهل بیت علیهم السلام؛ ۵. گفت و گوی حضرت زهرا با سر مقدس امام حسین علیه السلام و فهمیدن این که چه کسی دستان ایشان را قطع کرده است؛ ۶. نفرین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر جانی و بی دست و پا شدن و نایبنا شدنش.

بقیه منابعی که در ادامه می آید، نسبت به مجموع موارد روایات یاد شده، سنجیده شده و اختلافاتش با آن یا نواقصش نسبت به آن بیان می شود. هر چند، ایراد جدی به نقل ناقص وارد نیست؛ چرا که می تواند بر اثر اختصار باشد، ولی برای تکمیل بحث، توضیح داده می شود.

## ۲. لباس امام حسین علیه السلام هنگام شهادت در منابع قرن ششم تا دهم

بیشتر منابعی که قبل از قرن دهم، رویداد مربوط به لباس امام حسین علیه السلام هنگام

شهادت را مطرح کرده، اختلاف چشم‌گیری با مصادر اولیه ندارد. منابع یادشده به ترتیب تاریخ وفات نویسندگانش - که به آن بعد از عنوان اشاره می‌شود - مرتب شده و از کتب فریقین است.

## ۲-۱. الأملی الشجرية، ابن شجری (م ۵۴۲ق)

مرحوم ابن شجری به داستان لباس امام حسین علیه السلام این چنین اشاره می‌کند:

تَمَّ دَعَا بَسْرَاوِيلَ حَبْرَةَ فَشَقَّهُ ثُمَّ لَبَسَهُ؛ (ابن شجری، بی تا: ۱/۱۶۲)

سپس شلوار یمنی خواست، پس آن را پاره کرد، آن گاه پوشید.

وی از قضیه شلوارک و علت پاره کردن شلوار، صحبتی نکرده است.

## ۲-۲. تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر (م ۵۷۱ق)

ابن عساکر با اتصال سند خود به طالقانی - یکی از راویان سند طبرانی - روایت او را

نقل می‌کند:

أخبرنا أبو غالب بن البنا أنا أبو العنّام بن المأمون أنا أبو القاسم بن حبابة أنا أبو القاسم البغوي أنبأنا إسحاق بن إسماعيل الطالقاني سنة خمس وعشرين أنبأنا جرير عن ابن أبي ليلى قال قال الحسين بن علي حين أحس بالقتل ابغوني ثوباً لا يرعب فيه أجعله تحت ثيابي حتى لا أجرد فقيل له ثبان فقال ذاك لباس من ضربت عليه الذلة فأخذ ثوباً فخرقه فجعله تحت ثيابه فلما قتل جرد صلوات الله عليه ورضوانه؛ (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۴/۲۲۱؛ همو، ۱۴۱۴: ۳۲۴-۳۴۰)

... حسین بن علی علیه السلام زمانی که [نزدیک بودن] کشته شدن را حس کرد، فرمود: لباسی برایم بیاورید که در آن رغبت نشود؛ آن را زیر لباس‌هایم قرار دهم تا برهنه نشوم. پس به او گفته شد: شلوارک؟! فرمود: آن، لباس کسی است که [مهر] ذلت بر او زده شده است؛ پس، لباسی را گرفت و پاره کرد، آن گاه آن را زیر لباس‌هایش قرار داد؛ زمانی که کشته شد، آن لباس را از تنش بیرون آوردند.

این نقل با نقل طبرانی تفاوتی ندارد.

### ۲-۳. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق)

ابن شهر آشوب در مناقب واقعه را چنین می نگارد:

ثُمَّ قَالَ: إِنِّي بَيِّنٌ لَّيُرْعَبُ فِيهِ أَلْبَسَهُ غَيْرَ ثِيَابِي لَا أُجْرَدُ فَإِنِّي مَقْتُولٌ مَسْلُوبٌ،  
فَأَتَوْهُ بَيْتَانَ فَأَبَى أَنْ يَلْبَسَهُ وَقَالَ: هَذَا لِبَاسِ أَهْلِ الدِّمَّةِ، ثُمَّ أَتَوْهُ بِشَيْءٍ أَوْسَعُ مِنْهُ دُونَ  
السَّرَاوِيلِ وَفَوْقَ الثُّبَانِ فَلَبَسَهُ؛ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲۵۷/۳)

سپس فرمود: برایم لباسی غیر از این لباس بیاورید که در آن رغبت نشود و بپوشم تا برهنه نشوم؛ چراکه من بی شک، مقتول و برهنه خواهم شد. پس، شلوارکی برای ایشان آوردند، ولی از پوشیدنش خودداری کرد و فرمود: این لباس اهل ذمه است. سپس برای ایشان، چیزی را آوردند که بزرگ تر از آن بود؛ کوچک تر از شلوار و بزرگ تر از شلوارک، پس، آن را پوشید.

تعلیل امام علیه السلام در این روایت درباره نپذیرفتن شلوارک، اختصاص داشتن این لباس به اهل ذمه است نه اهل مذلت؛ البته به نظر می رسد «ذمه» تصحیف «ذلة» یا «مذلة» باشد. ضمن این که اهل ذمه بر اساس آیه ۲۹ سوره توبه، اهل مذلت هستند و از این جهت، نقل ابن شهر آشوب، می تواند نقل به معنا باشد. از این رو اختلاف قابل ذکر وجدی به شمار نمی آید.

اختلاف دیگر نقل ایشان با مصادراولیه هم این است که در آن برای امام علیه السلام لباسی کوچک تر از شلوار و بزرگ تر از شلوارک می آورند. آورده شدن شلوارک در حالی که در منابع متقدم، تنها صحبت از پیشنهاد آن بود از دیگر اختلافات است، هر چند این اختلاف در تعبیر است وجدی نیست؛ زیرا عرب، گاهی به پیشنهاد کردن چیزی، عرضه کردن آن می گوید.

### ۲-۴. الكامل فی التاریخ، ابن اثیر (م ۶۳۰ق)

ابن اثیر در تاریخ خود، واقعه را این گونه نقل می کند:

لَمَّا بَقِيَ الْحُسَيْنُ علیه السلام فِي ثَلَاثَةِ أَوْ أَرْبَعَةِ دَعَا بِسَرَاوِيلَ فَفَزَرَهُ وَتَكَنَّهُ لِنَلَا يَسْلُبِهِ، فَقَالَ لَهُ  
بَعْضُهُمْ: لَوْلَيْسَتْ تَحْتَ الثُّبَانِ، قَالَ: ذَلِكَ تَوْبٌ مَذَلَّةٌ وَلَا يَنْبَغِي [لِي] أَنْ أَلْبَسَهُ؛ (ابن  
اثیر، ۱۳۸۶: ۱۷۷/۴)



هنگامی که حسین علیه السلام با سه یا چهار نفر ماند، شلواری خواست، پس آن را پاره پاره ورشته رشته کرد که [کسی] آن را درنیاورد. یکی از اصحابش گفت: کاش زیر آن شلوارک می پوشیدی! فرمود: آن، لباس خواری است و برای من شایسته نیست که آن را بپوشم.

نقل ایشان، شبیه به نقل ابومخنف است، با این تفاوت که صفات شلوار، نظیر یمانی بودن و محکم بودن را ذکر نکرده است.

#### ۵-۲. كفاية الطالب، گنجی شافعی (م ۶۵۸ق)

شافعی با سند متصل به طبرانی ماجرا را چنین نقل می کند:

أَخْبَرَنَا يُونُسُ بْنُ الْحَاظِمِ الْحَلَبِيُّ، أَخْبَرَنَا ابْنُ أَبِي زَيْدٍ وَأَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ فَاذِشَاهُ، أَخْبَرَنَا الْإِمَامُ أَبُو الْقَاسِمِ الطَّبْرَانِيُّ، حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، حَدَّثَنَا جُرَيْرٌ عَنْ ابْنِ أَبِي لَيْلَى قَالَ قَالَ حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام حِينَ أَحْسَسَ بِالْقَتْلِ إِنْ تَوْنَى تَوْبًا لَا يَرْعَبُ فِيهِ أَحَدٌ أَجْعَلُهُ تَحْتَ ثِيَابِي لَا أَجْرَدُ فَقِيلَ لَهُ الثَّبَانُ فَقَالَ لَا، ذَلِكَ لِبَاسٍ مَن ضَرَبَتْ عَلَيْهِ الدَّلَّةُ فَأَخَذَ تَوْبًا فَخَرَقَهُ فَجَعَلَهُ تَحْتَ ثِيَابِهِ فَلَمَّا أُن قُتِلَ جَرَدُوهُ؛ (گنجی شافعی، بی تا: ۴۳۴)

... ابن ابی لیلی می گوید: حسین بن علی علیه السلام زمانی که [نزدیکی] کشته شدن را حس کرد، فرمود: لباسی برایم بیاورید که کسی در آن رغبت نکند؛ آن را زیر لباس هایم قرار دهم؛ برهنه نشوم. به او گفته شد: شلوارک؟! فرمود: نه، آن، لباس کسی است که [مهر] ذلت بر او زده شده است. پس، لباسی را گرفت و پاره کرد، آن را زیر لباس هایش قرار داد. زمانی که کشته شد، آن لباس را درآوردند.

نقل او، مشابه نقل طبرانی است.

#### ۶-۲. اللّهُوف، سید بن طاوس (م ۶۶۴)

سید بن طاوس درباره جریان لباس اباعبدالله علیه السلام می نویسد:

قَالَ الرَّاؤِي وَقَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام: إِبْغَاؤِي تَوْبًا لَا يَرْعَبُ فِيهِ أَجْعَلُهُ تَحْتَ ثِيَابِي إِنْ لَّا أَجْرَدُ مِنْهُ فَآتَيْتَنِي بِثُبَانٍ فَقَالَ لَا، ذَاكَ لِبَاسٍ مَن ضَرَبَتْ عَلَيْهِ الدَّلَّةُ فَأَخَذَ تَوْبًا خَلَقًا فَخَرَقَهُ وَجَعَلَهُ تَحْتَ ثِيَابِهِ فَلَمَّا قُتِلَ عليه السلام جَرَدُوهُ مِنْهُ ثُمَّ اسْتَدْعَى الْحُسَيْنُ عليه السلام بِسِرَاوِيلٍ مِّنْ حَبْرَةٍ

فَفَرَزَهَا وَ لَبِسَهَا وَ إِنَّمَا فَرَزَهَا لِنَلَا يَسْلُبُهَا فَلَمَّا قُتِلَ عَلَيْهِ سَلَبَهَا بَحْرُ بْنُ كَعْبٍ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ تَرَكَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُجَرَّدًا؛ (ابن طاوس، بی تا: ۱۲۳-۱۲۴)

راوی می گوید: حسین علیه السلام فرمود: برای من لباسی بیاورید که در آن رغبت نشود؛ آن را زیر لباسم قرار دهم تا از تنم درآورده نشود. شلواری آوردند. فرمود: نه، آن لباس کسی است که براو [مُهر] ذلت خورده است. پس لباسی کهنه را گرفت، پاره کرد و زیر لباسش قرار داد. زمانی که کشته شد، آن را از تنش درآوردند. سپس، حسین علیه السلام شلواری از حبره خواست، پس آن را چاک زد و پوشید و علت این که آن را چاک زد، این بود که [کسی] از تنش درنیاورد. پس، زمانی که کشته شد، بحر بن کعب - که خدا او را لعنت کند - آن را غارت کرد و حسین علیه السلام را برهنه رها ساخت.

ایشان بین دو نقل قول مصادر اولیه جمع کرده، به گونه ای که ظاهر آن این است که امام علیه السلام دو لباس را پاره کردند: شلوارک و لباسی دیگر. روشن است که مرحوم سید، دو روایت را در کنار هم آورده است. البته همان گونه که گفته شد احتمال این که حضرت، دو لباس را پاره کرده باشند، منتفی نیست؛ به همین دلیل، نقل او از این جهت، اختلاف جدی محسوب نمی شود. ابن طاوس مانند ابن شهر آشوب به پیشنهاد پوشیدن شلوارک در روایت ابومخنف اشاره نمی کند.

اختلاف دیگر این است که ابن طاوس برای «لباس» صفت «کهنه» را ذکر می کند که در منابع متقدم موجود نیست. البته ممکن است صفت کهنه از عبارت «ثوباً لایرغبُ فیهِ؛ لباسی که به آن رغبت نمی شود» برداشت شود، ولی این گونه نیست که هر لباسی که نسبت به آن طمع نمی شود، کهنه باشد؛ زیرا ممکن است نو باشد، ولی جنسش نامرغوب باشد. با توجه به دقت سید در نقل حدیث، احتمال می رود در نسخه ای که نزد ایشان بوده، چنین صفتی وجود داشته، هر چند با استناد به منابع در اختیار نگارنده، با مصادر اولیه متفاوت است.

عبدالله بحرانی (م ۱۱۰ق) در *عوامل* (بحرانی، ۱۴۰۷: ۲۹۷)، مجدلی (م. قرن ۱۰ق) در *تسلیة المجالس* (مجدلی، بی تا: ۲/۳۲۴) و علامه مجلسی (م ۱۱۱ق) در *بحار الأنوار*

(مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۴/۴۵) نقل ابن طاووس را آورده‌اند. شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ق) در نفس‌المهموم (قمی، بی‌تا: ۳۲۸-۳۲۹) نقل‌های شیخ مفید، ابومخنف وابن طاوس را ثبت کرده است. نقل سماوی (م ۱۳۷۰ق) در ابصارالعین (سماوی، ۱۴۱۹: ۳۶) نیز نزدیک به روایت لهوف است، غیر از این که به پاره شدن وزیرلباس قراردادن لباس کهنه نمی‌پردازد.

### ۲-۷. تهذیب‌الکمال، مزی (م ۷۴۲ق)

مزی به قضیه لباس اباعبدالله علیه السلام این‌گونه اشاره می‌کند:

ثُمَّ أَمَرَ بِسِرَاوِيلَ حَبْرَةٍ فَشَقَّهَا ثُمَّ لَبَسَهَا: (مزی، بی‌تا: ۴۲۸)

سپس به آوردن شلواری از جنس حبره فرمان داد، پس آن را پاره کرد و پوشید.

به نظر می‌رسد متن او برگرفته از روایت امام باقر علیه السلام باشد.

اختلافات جدی که در منابع یادشده با مصادر متقدم یافت شد بدین شرح است:

۱. تغییر شلوار به لباسی که کوچک‌تر از شلوار و بزرگ‌تر از شلوارک است. ۲. ذکر قید «کهنه» برای لباس.

### ۳. لباس امام حسین علیه السلام هنگام شهادت در منابع قرن دهم تا زمان معاصر

منابعی که جریان لباس حضرت را در محدوده زمانی مورد اشاره، نقل کرده‌اند، گاه با تغییراتی نسبت به مصادر اولیه و حتی منابع بخش دوم، متعرض آن شده‌اند. منقولات منابع در این بخش نیز مانند بخش دوم عرضه می‌شود.

#### ۳-۱. المنتخب، طریحی (م ۱۰۸۵ق)

طریحی جریان لباس را به این صورت ثبت کرده است:

أَنَّهُ لَمَّا قُتِلَ أَصْحَابُ الْحُسَيْنِ كُلُّهُمْ وَتَفَانُوا وَأَبِيدُوا وَلَمْ يَبْقَ أَحَدٌ، بَقِيَ يَسْتَعِيثُ فَلَايَعَاثُ وَأَيَقِنُ بِالمَوْتِ فَآتَى إِلَى نَحْوِ الحَيْمَةِ وَقَالَ لِأَخْتِهِ إِتْبِينِي بِسَوْبِ عَتِيقٍ، لَا يَرَعِبُ أَحَدٌ فِيهِ مِنَ القَوْمِ، أَجْعَلُهُ تَحْتَ ثِيَابِي، لِيَلَّا أُجْرَدُ مِنْهُ بَعْدَ، فَارْتَفَعَتْ أَصَوَاتُ التَّسْوَةِ بِالبُكَاءِ وَالتَّحْيِيبِ، ثُمَّ أُوتِي بِسَوْبِ فَخْرَقَةٍ وَمَرْقَةٍ مِنْ أَطْرَافِهِ وَجَعَلَهُ تَحْتَ ثِيَابِهِ وَكَانَ لَهُ سِرْوَالٌ جَدِيدٌ فَخَرَّقَهُ أَيْضاً لِيَلَّا يُسَلَبَ مِنْهُ. فَلَمَّا قُتِلَ عَمَدَ إِلَيْهِ رَجُلٌ

فَسَلِّمَهُمَا مِنْهُ وَتَرَكَّهُ عُرْيَانًا مُجْرَدًا؛ (طریحی، بی تا: ۴۳۹)

زمانی که همه اصحاب حسین علیه السلام کشته شدند و از میان رفتند و کسی باقی نماند، [امام علیه السلام] همچنان یاری می طلبید، ولی کسی به یاری اش نمی شتافت و به مرگ یقین کرد. پس به طرف خیمه آمد و به خواهرش فرمود: لباس کهنه ای به من بده که کسی از این قوم به آن رغبت نکند؛ آن را زیر لباس هایم قرار دهم تا بعد از این، از تنم بیرون آورده نشود. صداهای زنان به گریه و ناله بلند شد. سپس لباسی آورده شد. آن را از کناره های پاره پاره ورشته رشته کرد و در زیر لباس هایش قرار داد و شلوار نویی داشت که آن را نیز پاره کرد تا از تنش بیرون نشود. زمانی که کشته شد، مردی قصد او کرد و هر دورا از تنش بیرون آورد و او را عریان و برهنه رها کرد.

اولین اختلاف آن این است که برخلاف منابع قرن دوم تا پنجم، حرکت امام علیه السلام به سمت خیمه و طلب لباس از خواهرش را گزارش می دهد. اضافاتی مانند شیون زنان، پاره شدن لباس از اطراف و صفت «جدید» یا «نو» برای شلوار هم در نقل طریحی دیده می شود. ممکن است نبودن لباس از چشم نواز بودن شلوار در عبارت ابو مخنف برداشت شده باشد، ولی این طور نیست که هر لباس چشم نوازی، نوباشد.

در بندی (م ۱۲۸۵ق) در *کسیر العبادات* (در بندی، ۱۴۱۵: ۸/۳) عبارات طریحی و مناقب را نقل می کند. بهبهانی (م ۱۲۸۵ق) نیز ناقل متن طریحی است (بهبهانی، ۱۴۰۹: ۳۳۷/۴).

### ۲-۳. مدینه المعاجز، بحرانی (م ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ق)

ایشان، علاوه بر نقل متن طریحی (بحرانی، بی تا: ۶۷/۴، ح ۴۲) روایت دوم خوارزمی را البته به گونه دیگری می آورد که ترجمه اش به صورت خلاصه شده چنین است:

روایت شده از یوسف بن یحیی از پدرش از جدش که گفت: دیدم مردی را در مکه به شدت سیاه و دارای بدن و خلقتی ژولیده که ندا می دهد: ای مردم! مرا به فرزندان محمد صلی الله علیه و آله راهنمایی کنید. یکی از ایشان پرسید: چه می خواهی؟ گفت: من فلانی پسر فلانی هستم. گفت: دروغ می گویی! فلانی بدنی سالم و



صورتی درخشنده داشت و تو بسیار سیاه با بدنی ژولیده هستی. گفت: به حق محمد ﷺ که من بی شک، فلانی ام. ... بدانید که من شتریان حسین ﷺ بودم. وقتی که به یکی از منازل رسیدیم برای حاجتی رفت، در حالی که همراهش بودم، پس کمر بند لباسش را دیدم که پادشاه فارس به او هدیه کرده بود. ... زمانی که آن قوم به کربلا رفتند و شد آن چه شد، ... نزدیک او شدم، در حالی که با خون‌ها رنگین شده بود. ... دستم را به طرف کمر بند بردم و قصد کردم بندش را باز کنم که دستش را بلند کرد و با آن به دستم زد. ... خنجری را که همراهم بود، خارج کرده و انگشتانش را قطع کردم که گروهی را دیدم که از سمت فرات می‌آیند. ... بین کشتگان افتادم و عظم از شدت ترس از کار افتاد. ... پس سر [حسین] را در دست پیامبر ﷺ دیدم. ... پیامبر ﷺ [خطاب به امام حسین] فرمود: ... چه کسی انگشتانت را قطع کرده است؟ حسین ﷺ فرمود: کسی که کنارم است. ... پیغمبر ﷺ فرمود: ... خداوند، رنگت را تغییر دهد! پس بلند شدم، در حالی که به این حالت بودم. (بحرانی، بی تا: ۶۷/۴-۷۰)

نقل ایشان تفاوت‌های بسیاری با روایت خوارزمی دارد. سند مرسل داشتن، طولانی‌تر بودن، داستانی که جانی از همراهی اش با ابا عبد الله ﷺ و دیدن کمر بند نقل می‌کند، سخن گفتن پیامبر ﷺ با امام حسین ﷺ و بلایی که سر جانی می‌آید، از جمله این تفاوت‌هاست. سخن گفتن از قطع انگشتان در این روایت در حالی که در روایت خوارزمی از قطع دست صحبت شده، تفاوت فاحش به شمار نمی‌آید؛ زیرا به هردوی آن، قطع دست گفته می‌شود. مسعودی (معاصر) در کتاب *الأسرار الفاطمیه* ﷺ (مسعودی، ۱۴۲۰: ۳۴۹) روایت مذکور را از بحرانی نقل کرده است.

۳-۳. طوفان البکاء، جوهری (م. پس از ۱۲۴۰ یا ۱۲۵۳ ق)

جوهری به جریان لباس، این‌گونه اشاره می‌کند:

پس جامه کهنه‌ای از کنیزان طلبید و چند موضع آن را چون گریبان طاقت اهل بیت درید و آن جامه کهنه را در زیر جامه‌هایی که غیرت حله‌های بهشت بود پوشید. زینب ﷺ پرسید: ای سردار اهل بیت! سبب پوشیدن این جامه کهنه

چیست؟ آن جناب گریست و فرمود: ای خواهر!

از تنم جامه نوشمر چو بیرون آرد از برون کردن این جامه حیا خواهد کرد  
این کهن جامه به قدری که تواند ز تنم دفع گرمای بیابان بلا خواهد کرد  
(جوهری، ۱۳۹۲ ش، ص ۵۵۵)

متن ایشان نیز اختلافات زیادی نسبت به متون مصادر متقدم دارد. طلب جامه «کهنه» از «کنیزان» در مصادر اولیه وجود ندارد. همچنین، گفت وگویی حضرت زینب علیها السلام با امام علیه السلام و گریستن آن حضرت، نقل‌هایی است که ظاهراً بی سابقه است.

#### ۳-۴. ناسخ التواریخ، سپهر (م ۱۲۹۷ق)

مرحوم سپهر درباره قضیه لباس حضرت می نویسد:

ثُمَّ قَالَ الْحُسَيْنُ علیه السلام لِأَخْتِهِ زَيْنَبَ علیها السلام إِنِّي بِنُورٍ عَتِيقٍ لَأَبْرَعُ فِيهِ، أَجْعَلُهُ تَحْتَ ثِيَابِي، لِيَأْتِيَ بَعْدَ قَتْلِي فَأَحْضِرْتِ لَهُ ثَوْبًا وَكَانَ ضَيْقًا، فَقَالَ: لَا، إِنَّ هَذَا لِبَاسِ أَهْلِ الدِّمَةِ، إِنِّي بِنُورٍ فَصْفَاضٍ أَوْسَعُ مِنْ هَذَا، فَأَحْضِرْتِهِ لَهُ فَفَرَزَهُ بَيْنَهُ لِيَكُنِي لَا يَطْمَعُ فِيهِ أَحَدٌ، فَلَبِسَهُ تَحْتَ ثِيَابِي؛ (سپهر، ۱۴۲۷: ۲/۴۴۲)

سپس حسین علیه السلام به خواهرش زینب علیها السلام فرمود: لباسی کهنه برایم بیاور که به آن رغبت نشود، آن را زیر لباسم قرار دهم تا پس از کشته شدنم، برهنه نشوم. [زینب] لباسی تنگ را برای او حاضر کرد. فرمود: نه، این لباس اهل ذمه است. لباس گشادی که بزرگ‌تر از این باشد بیاور. [زینب] آن را برایش حاضر نمود. [امام] آن را با دستش پاره کرد تا کسی در آن طمع نکند. پس، آن را زیر لباس هایش پوشید.

ایشان خواهر امام حسین علیه السلام را که قبلاً در عبارت طریحی آمده بود، حضرت زینب علیها السلام دانسته که مانند آن در مصادر اولیه جایی ندارد. دستورات اباعبدالله علیه السلام به ایشان برای آوردن جامه و آورده شدن لباس تنگ و گشاد توسط حضرت زینب علیها السلام از دیگر اختلافات نقل ایشان با کتاب‌های متقدم است.

#### ۳-۵. اشک روان بر امیر کاروان، شوشتری (م ۱۳۰۳ق) و شهرستانی (م ۱۳۱۵ق)

کتاب اشک روان ترجمه الخصائص الحسينية علیه السلام نوشته مرحوم شوشتری و ترجمه شده توسط مرحوم شهرستانی است. شوشتری داستان مربوط به جامه امام حسین علیه السلام را

این طور روایت کرده است:

گاهی از خواهر طلب نمود، اما جامه کهنه، نه از برای عید وزینت، بلکه از برای آن که چون او را شهید نمایند و لباس های نورا ببرند، طمع در این جامه کهنه نکنند و بدنش عریان نماند. خواهرش زینب علیها السلام جامه کهنه آورد و حضرت، چند موضع آن را پاره نمود و خون های حضرت، آن جامه را رنگین کرد. ... مع ذلک، اسحاق بن حویه آن را بیرون آورد و بدن شریفش را عریان بر روی خاک گذاشت. آه! (شوشتری، ۱۳۷۴: ۶۱-۶۲)

آوردن جامه کهنه توسط حضرت زینب علیها السلام و رنگین شدن لباس از خون امام علیه السلام در منابع متقدم موجود نیست.

مرحوم شهرستانی در ابتدای کتاب، چند ویژگی برای حضرت اباعبدالله علیه السلام برمی شمرد که چهاردهمین ویژگی، چنین است:

امام حسین علیه السلام وارث پیراهن قهرمان توحید حضرت ابراهیم علیه السلام بود، چنان که مرحوم بیرجندی در حوادث روز دهم جمادی الاولی نوشته: «در چنین روزی حضرت زهرا علیها السلام پیراهن حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را به دخترش زینب کبری علیها السلام عطا کردند و فرمود: دخترم! هنگامی که برادرت حسین علیه السلام این پیراهن را از تو مطالبه کند، بدان که فقط یک ساعت مهمان توست، سپس به دست اولاد زنا به سخت ترین حالی کشته می شود». (همو: ۳۸۵)

این که اهل بیت علیهم السلام وارث پیراهن حضرت ابراهیم علیه السلام بوده اند در روایات آمده (کلینی، ۱۳۶۳: ۱/۲۳۲، ح ۵)، ولی گفت و گوی حضرت زهرا علیها السلام با حضرت زینب علیها السلام درباره لباس در منابع حدیثی یافت نشد.

۳-۶. معالی السبطين، مازندرانی (زاده ۱۳۰۰ق)

مرحوم مازندرانی از زبان اباعبدالله علیه السلام می نویسد:

أَخِيَّة! إِنِّي نَبِيٌّ عَتِيقٌ لَا يَرَعْبُ فِيهِ أَحَدٌ، أَجْعَلُهُ تَحْتَ ثِيَابِي، لِئَلَّا أُجْرَدُ بَعْدَ قَتْلِي  
فَأَتَى مَقْتُولٌ مَسْلُوبٌ؛ (مازندرانی، ۱۴۲۵: ۴۴۸)

خواهرم! لباسی کهنه به من بده که کسی به آن رغبت نکند؛ آن را زیر لباس هایم

قراردهم تا بعد از کشته شدنم برهنه نشوم؛ چراکه بدون شک کشته شده غارت زده هستم.

ایشان نقل لَهوْف و اِبصارِ العین را نیز می آورد (همو). خطاب حضرت به خواهرش و قید «کهنه» از جمله اختلافات نقل ایشان با متن مصادر متقدم است.

### ۷-۳. مقتل مَقْرَم، مَقْرَم (م ۱۳۹۱ق)

مرحوم مَقْرَم علاوه بر نقل روایت دوم خوارزمی (مَقْرَم، بی تا: ۲۴۷) درباره داستان لباس اباعبدالله علیه السلام چنین می گوید:

درخواست کرد جامه ای که هیچ کس در آن رغبتی نداشته باشد، می خواست آن را زیر جامه هایش بپوشد تا پس از شهادت، بدنش را برهنه نگذارند. ... چون امام علیه السلام درخواست چنین جامه ای کرد، زیر جامه کوتاهی برایش آوردند، آن را نپذیرفت و فرمود: این لباس ذلت است، آن را نمی پوشم! آن گاه یک پیراهن کهنه ای برداشت و چند جای آن را پاره کرد و زیر لباس هایش پوشید و درخواست کرد شلوار سیاه رنگی برایش آوردند، آن را نیز شکافت و زیر لباس هایش پوشید تا آن را نربایند و بدنش را بدون ساتر برهنه نگذارند. (همو: ۲۳۰)

نقل ایشان مانند سید بن طاوس دارای قید کهنه است.

### ۸-۳. سالار شهیدان، شیخ الاسلامی (م ۱۳۹۰ش)

ایشان پس از نقل روایت ابن شهر آشوب و شیخ مفید چنین می نویسد:

روایت شده که حضرت زهرا علیها السلام پیراهن ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام را به زینب علیها السلام داد و فرمود: «اِذَا طَلَبَهُ مِنْكَ اِخْوَكِ الْحُسَيْنِ فَاعْلَمِي اَنَّهُ ضَيْقُكَ سَاعَةً ثُمَّ يُقْتَلُ بِأَشَدِّ الْاَحْوَالِ بَيْنَ اَوْلَادِ الزَّنَا؛ زمانی که برادرت حسین علیه السلام آن را از تو درخواست نمود بدان که او تنها ساعتی مهمان توست، سپس به بدترین وجه به دست زنازادگان کشته خواهد شد.» (شیخ الإسلامی، ۱۴۱۵: ۲۸۵-۲۸۶)

همان گونه که قبلاً گفته شد، چنین روایتی در منابع حدیثی یافت نشد. روایت یاد شده را هم ایشان وهم مرحوم شوشتری از کتاب مرحوم بیرجندی به نام وقایع الشهور والایام

گرفته اند که ظاهراً تنها منبع آن است.

### ۹-۳. قصه کربلا، نظری منفرد (زاده ۱۳۲۶ش)

آقای نظری منفرد این گونه به داستان جامه اباعبدالله علیه السلام می پردازد:

آن گاه فرمود: لباسی برای من آرید که کسی در آن طمع نکند تا آن را زیر لباس هایم بپوشم که از بدنم بیرون نیاورند. پس لباس کوتاهی را برای او آوردند. آن حضرت فرمود: نه، این لباس اهل ذلت است؛ آن گاه لباسی کهنه را گرفته و آن را پاره نمود و دربرکرد. پس، سروالی را از حبره طلب نمود و آن را چاک زد و پوشید و چنین کرد که آن را بیرون نیاورند. (نظری، ۱۳۸۸: ۳۶۵)

ایشان همان طور که خود ذکر کرده، روایت را از کتاب لهوف نقل کرده است.

اختلافات منابع یاد شده در بخش سوم با منابع متقدم به جز روایت دوم خوارزمی:

۱. حرکت امام علیه السلام به سمت خیمه و طلب لباس کهنه از خواهر خود و درنقل دیگر حضرت زینب علیه السلام؛ ۲. اضافاتی مانند شیون زنان، پاره شدن لباس از اطراف و صفت «جدید» یا «نو» برای شلوار؛ ۳. طلب جامه کهنه از کنیزان؛ ۴. گفت و گوی حضرت زینب علیه السلام با امام علیه السلام و گریستن آن حضرت؛ ۵. آورده شدن لباس تنگ توسط حضرت زینب علیه السلام و رد آن از جانب امام حسین علیه السلام و دستور به ایشان برای آوردن لباس گشاد و آورده شدن آن؛ ۶. وصیت حضرت زهرا به حضرت زینب علیه السلام درباره این که اباعبدالله علیه السلام ساعتی قبل از شهادتش، پیراهن حضرت ابراهیم علیه السلام را از ایشان مطالبه خواهد کرد؛ ۷. رنگین شدن لباس از خون اباعبدالله علیه السلام.

اختلافات تنها منبع ناقل روایت دوم خوارزمی که به صورت دیگری آن را نقل می کند:

۱. سند مرسل داشتن؛ ۲. طولانی تر بودن؛ ۳. داستانی که جانی از شتریان بودن و همراهی اش با امام حسین علیه السلام و دیدن کمر بند ارزشمند ایشان تعریف می کند؛ ۴. گفت و گوی رسول خدا صلی الله علیه و آله با سر مبارک اباعبدالله علیه السلام؛ ۵. نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله بر جانی و سیاه شدن او.

### نتیجه

جریان لباس امام حسین علیه السلام در مصادرا اولیه ناقل آن به سه صورت کلی روایت شده

است:

الف) بنا بر مقتل ابومخنف، تاریخ طبری، انساب الأشراف، الإرشاد و روایت اول خوارزمی: ۱. درخواست شلواریمانی سرتاسری و درخشان و چشم نواز تا حضرت، پس از شهادت، برهنه نشوند؛ ۲. پاره کردن آن به جهت رغبت نکردن کسی به آن و پوشیدنش؛ ۳. ردّ پیشنهاد پوشیدن شلوارک به علت ذلیلانه بودنش.

ب) بنا بر روایت طبرانی: ۱. طلب جامه‌ای که کسی به آن طمع نمی‌کند تا در زیر لباس‌ها قرار گیرد که امام پس از شهادت، برهنه نشوند؛ ۲. ردّ پیشنهاد پوشیدن شلوارک به علت ذلیلانه بودنش؛ ۳. پاره کردن لباس و پوشیدنش بنا بر جست‌وجوی صورت گرفته در منابع.

مطابق روایت دوم خوارزمی: ۱. دیده شدن مردی نابینا و فاقد دست و پا؛ ۲. نقل داستان او توسط خودش مبنی بر این که در حالی که امام علیه السلام پس از شهادتش، شلواری به تن داشت، قصد سرقت کمر بند ایشان را داشته است؛ ۲. امام علیه السلام با دستان خود، مانع سرقت می‌شوند و جانی، دستان ایشان را می‌برد؛ ۳. به خواب رفتن جانی و آمدن اهل بیت علیهم السلام؛ ۴. صحبت کردن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با سرمقدّس اباعبدالله علیه السلام و فهمیدن این که جانی، همان فردی است که در خواب است؛ ۵. نفرین حضرت زهرا علیها السلام بر جانی و نابینا شدن و بی دست و پا شدن او.

اختلافات نقل‌های منابع قرن ششم تا دهم نسبت به روایات مصادر اولیه به جز روایت دوم خوارزمی (نواقص گزاره‌های این منابع نسبت به منابع متقدم گفته نمی‌شود):

۱. تغییر یافتن شلوار به لباسی که کوچک‌تر از شلوار و بزرگ‌تر از شلوارک است (مناقب)؛
۲. ذکر صفت «کهنه» برای لباس (لهوف، العوالم، تسلیة المجالس، بحار الأنوار، نفس المهموم و ابصار العین که با کمی اختلاف، مشابه نقل لهوف است. اکسیرالعبادات مربوط به قرن ۱۳، مطالب) را نقل کرده است.

سایر منابعی که در قرن ششم تا دهم یا مشابه مصادر اولیه جریان جامه را نقل کرده‌اند یا تنها به بعضی از گزاره‌های آن اشاره نموده‌اند: مشابه الإرشاد: اعلام الوری، الدرّالتظیم، مشیر الأحزان. مشابه المعجم الكبير: تاریخ مدینة دمشق، کفایة الطالب، مجمع الزوائد، بغیة

الطلب . مشابه مقتل ابی مخنف: الكامل فی التاریخ . مشابه تاریخ طبری: الأملی الشجریه ، تهذیب الکمال .

اختلافات منابع قرن دهم تا زمان معاصر با روایات منابع متقدم به جز روایت دوم خوارزمی: ۱. حرکت کردن امام علیه السلام به طرف خیمه و درخواست لباس کهنه از خواهر خود یا در نقل دیگر، حضرت زینب علیها السلام (شک روان)؛ ۲. اضافه شدن مطالبی مانند شیون زنان، پاره شدن لباس از اطراف و قید «جدید» یا «نو» برای شلوار در میان روایت (موارد یک تا سه: المنتخب، اکسیرالعبادات، الذمعة الساکبة، مدینه المعجزه)؛ ۳. طلب جامه کهنه از کنیزان؛ ۴. گفت و گو کردن امام علیه السلام با حضرت زینب و گریستن امام علیه السلام (مورد ۳ و ۴: طوفان البکاء)؛ ۵. آوردن لباسی تنگ توسط حضرت زینب علیها السلام و رد آن از طرف امام حسین علیه السلام و دستور به ایشان برای آوردن لباس گشاد و آورده شدن آن (ناسخ التواریخ)؛ ۶. وصیت حضرت زهرا علیها السلام به حضرت زینب علیها السلام درباره این که امام علیه السلام ساعتی پیش از شهادت، پیراهن حضرت ابراهیم علیه السلام را از ایشان درخواست می کند؛ ۷. رنگین شدن لباس از خون پاک امام حسین علیه السلام (مورد ۶ و ۷: اشک روان).

منابع پس از قرن دهم که متن آن مشابه الإرشاد شیخ مفید است: اثبات الهداة، لواعج الأشنان، انوار التعمانیه .

اختلافات تنها منبع ناقل روایت دوم خوارزمی (مدینه المعجزه) که در آن به گونه ای دیگر آمده است: ۱. سند مرسل داشتن برخلاف نقل خوارزمی که بی سند بود؛ ۲. طولانی تر بودن؛ ۳. قصه ای که جانی از شتریان بودن و همراهی اش با اباعبدالله علیه السلام و دیدن کمر بند ارزشمند ایشان نقل می کند؛ ۴. گفت و گوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با سر مبارک اباعبدالله علیه السلام؛ ۵. نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر جانی و سیاه شدن او.

جداولی که پس از کتابنامه می آید، محتویات سه بخش مقاله را به ترتیب تاریخی بیان می کند. به علت محدودیت مکانی جدول، منابعی که می آید، کتاب های شاخصی است که هر کدام در عنوان یک فصل آمده بود و دستیابی به منابع مشابه در متن یا نتیجه مقاله امکان پذیر است. مقایسه محتوای منابع قرن پنجم تا زمان معاصر با مصادر متقدم، اختلافات آن را نیز روشن می کند، هر چند تنها به اختلافات جدی پرداخته شده است.

## منابع

- ابن اثير، عزالدین (١٣٨٦ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
- ابن اثیر، مجدالدین (١٣٦٤ش)، *النهائية في غريب الحديث والأثر*، تحقيق: طاهر أحمد زاوي، محمود محمد طناحي، قم، مؤسسه اسماعيليان، چاپ چهارم.
- ابن شجري، هبة الله بن علي (بي تا)، *الأمالى الشجرية*، نرم افزار مكتبة الشاملة، بي جا.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علي (١٣٧٦ق)، *مناقب آل ابي طالب*، تحقيق: گروهی از اساتيد نجف اشرف، نجف، المكتبة الحيدرية.
- ابن طاوس، علي بن موسى، (بي تا)، *التهوف على قتلى الطفوف*، تهران، نشر جهان.
- ابن عساکر، علي بن حسن (١٤١٥ق)، *تاريخ مدينة دمشق*، تحقيق: علي شيرى، بيروت، دارالفکر.
- ابن عساکر، علي بن حسن (١٤١٤ق)، *ترجمة الإمام الحسين*، تحقيق: محمد باقر محمودى، قم، مجمع احيای فرهنگ اسلامى، چاپ دوم.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤٠٨ق)، *البدایة والنهاية*، تحقيق: علي شيرى، لبنان: دار احياء التراث العربى، چاپ اول.
- ابن نماى حلى، جعفر بن محمد (١٣٦٩ق)، *مشير الأحران ومنير سبل الأشجان*، نجف، المطبعة الحيدرية.
- امين، سيد محسن (بي تا)، *لواعج الأشنان في مقتل الإمام الحسين*، بيروت، دارالأمير.
- آل درويش، عبدالله بن حاج حسن (١٤٢٨ق)، *المجالس العاشورية في المآتم الحسينية*، قم، اهل الذکر، چاپ اول.
- بحراني، سيد هاشم (بي تا)، *مدينة معاجز الائمة اثني عشر* ودلائل الحجج على البشر، تحقيق: عزت الله مولايي نيا، كريم فارس حسون، عبدالله طهراني، قم، مؤسسه معارف اسلامى.
- بحراني، عبدالله بن نورالله (١٤٠٧ق)، *عوامل العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال*، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي، قم، مدرسة الإمام المهدي، چاپ اول.



- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۵۹م)، *أنساب الأشراف*، تحقیق: محمد حبیب الله، قاهره،  
معهد المخطوطات بجامعة الدول العربية بالإشتراك مع دارالمعارف.
- بهبهانی، محمد باقر بن عبدالکریم (۱۴۰۹ق)، *الدمعة الساکبة فی احوال النبی والعترة  
الظاهرة عليه السلام*، تحقیق: حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- جزایری، سید نعمت الله (۱۴۲۹ق)، *الأنوار التعمانية*، بیروت، دارالقاری.
- جواهری، سید محمد حسن (۱۳۹۴ق)، *آیا امام حسین عليه السلام را در کربلا عریان کردند؟!،  
یادداشت های سید محمد حسن جواهری: <http://javahery.blogfa.com>.*
- جوهری، محمد ابراهیم (۱۳۹۲ش)، *طوفان البكاء فی مقاتل الشهداء*، تحقیق: عبدالله  
قربان پور، قم، طوبای محبت، چاپ دوم.
- حائری مازندرانی، مهدی (۱۴۲۵ق)، *معالی السبطين فی احوال الحسن والحسین عليهما السلام*،  
قم، صبح صادق، چاپ اول.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، *اثبات الهداة بالتصوُّص والمعجزات*، تحقیق:  
علاء الدین اعلمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- خوارزمی، موقّق بن احمد (۱۴۲۳ق)، *مقتل الحسين عليه السلام*، قم، انوار الهدی.
- دربندی، ملا آقا بن عابد (۱۴۱۵ق)، *إكسیر العبادات فی اسرار الشّهادات*، تحقیق: محمد  
جمعه بادی، عباس ملاءطیة الجمري، بحرین، شركة المصطفى للخدمات الثقافية،  
چاپ اول.
- سپهرکاشانی، محمد تقی (۱۴۲۷ق)، *ناسخ التواریخ*، تحقیق: علی اشرف، قم، مدين.
- سماوی، محمد (۱۴۱۹ق)، *إبصار العین فی انصار الحسين عليه السلام*، تحقیق: محمد جعفر  
طبسی، قم، مرکز الدراسات الإسلامية لممثلة ولیّ الفقیه، چاپ اول.
- شامی عاملی، یوسف بن حاتم (بی تا)، *الدُّرُّ النُّظْمِیُّ فی مناقب الأئمة اللّهامیم*، قم،  
انتشارات اسلامی.
- شوشتری، جعفر (۱۳۷۴ش)، *اشک روان برامیر کاروان = دمع العین علی خصائص  
الحسین عليه السلام* (ترجمه الخصائص الحسينية عليه السلام)، تحقیق: محمد حسین شهرستانی، قم،  
دارالکتاب.

- شیخ الاسلامی، سید حسین (۱۴۱۵ق)، سالار شهیدان، قم، داوری.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، المعجم الكبير، تحقیق: حمدی عبدالمجید سلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳ق)، تاریخ الطبری، تحقیق: تعدادی از علما، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ چهارم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (بی تا)، المنتخب فی جمع المراثی والخطب، تحقیق: نضال علی، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- عقیلی، عمر بن احمد (۱۴۰۸ق)، بغیة الطلب فی تاریخ الحلب، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، مؤسسه البلاغ.
- قزوینی، فضل علی (۱۴۱۵ق)، الإمام حسین علیهما السلام واصحابه، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، قم، محمود شریعت مهدوی.
- قمی، عباس بن محمد رضا (بی تا)، نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم علیهما السلام، قم، المكتبة الحیدریة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ پنجم.
- گروهی از نویسندگان (۱۳۸۰ش)، تاریخ امام حسین علیهما السلام، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- گنجی شافعی، محمد بن یوسف (بی تا)، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیهما السلام، تحقیق: محمد هادی امینی، تهران، دار احیاء تراث اهل البيت علیهم السلام.
- مجدی، محمد بن ابی طالب (بی تا)، تسلية المجالس وزینة المجالس، تحقیق: فارس حسون کریم، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الأطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.

- مرعشی نجفی، شهاب الدین (بی تا)، شرح إحقاق الحق وازهاق الباطل، تحقیق: شهاب الدین مرعشی نجفی و سید ابراهیم میانجی، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- مزی، یوسف بن زکی (بی تا)، تهذیب الکمال، بی جا.
- مسعودی، محمد فاضل (۱۴۲۰ق)، الأسرار الفاطمیه علیها السلام، تحقیق: سید عادل علوی، قم، مؤسسه زائر.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، الإرشاد، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت، دارالمفید، چاپ دوم.
- مقرّم، عبدالرزاق (بی تا) مقتل الحسین علیه السلام، برگرفته از مرکز مطالعات شیعه: www.shiitecenter.com، بی جا.
- نظری منفرد، علی (۱۳۸۸ش)، قصه کربلا، قم، شرور، چاپ پانزدهم.
- هیثمی، علی بن ابی بکر (۱۴۰۸ق)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، لبنان، دارالکتب العلمیة.

#### مصادر متقدم

سال وفات	نام کتاب	نام مؤلف	محتویات
۱۵۷ق	مقتل ابومخنف به نقل از طبری	ابومخنف	۱. خواستن شلواریمانی محکم و چشم نواز توسط امام <small>علیه السلام</small> . ۲. پاره کردنش تا کسی آن را از تن شریف حضرت درنیاورد. ۳. پیشنهاد پوشیدن شلوارک توسط اصحاب و رد آن از جانب امام <small>علیه السلام</small> به دلیل ذلیلانه بودنش.
۲۷۸ق	انساب الاشراف	بلذری	درخواست شلوار فراگیر و پوشیدن آن.
۳۱۰ق	تاریخ طبری	طبری	دستور آوردن حبره و شکافتن و پوشیدن آن.
۳۶۰ق	المعجم الكبير	طبرانی	۱. پیشنهاد پوشیدن شلوارک توسط اصحاب. ۲. رد آن به دلیل ذلیلانه بودنش. ۳. پاره کردن لباس و قراردادن آن در زیر لباسها
۴۱۳ق	الإرشاد	شیخ مفید	۱. درخواست شلواریمانی چشم نواز. ۲. پاره کردن و

سال وفات	نام کتاب	نام مؤلف	محتویات
			پوشیدن آن تا کسی آن را از تن شریف حضرت، بیرون نیاورد.
۵۶۸ ق	مقتل الحسین <small>علیه السلام</small>	خوارزمی	روایت اول: درخشش شلوار امام <small>علیه السلام</small> پس از شهادت. روایت دوم: ۱. دیده شدن مردی نابینا و بدون دست و پا ۲. نقل داستان او توسط خودش به این که امام <small>علیه السلام</small> پس از شهادت، شلواری به پا داشتند و اوقصد سرقت کمر بند ایشان را داشته است. ۲. مانع شدن امام <small>علیه السلام</small> با دستانشان از دزدی کمر بند و قطع دستان حضرت توسط جانی. ۳. به خواب رفتن جانی و آمدن اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ۳. گفت و گوی حضرت زهرا با سر مقدس امام حسین <small>علیه السلام</small> و فهمیدن این که چه کسی دستان ایشان را قطع کرده است. ۴. نفرین حضرت فاطمه زهرا <small>علیه السلام</small> بر جانی که بیان باشد از بی دست و پا شدن و نابینا شدن او به همراه وعده عذاب آتش.

#### منابع قرن ششم تا دهم

سال وفات	نام کتاب	نام مؤلف	محتویات
۵۴۲ ق	الأمالی الشجرية	ابن شجری	شلوار یمانی خواستن و پاره کردن و پوشیدن آن.
۵۷۱ ق	تاریخ مدینه دمشق	ابن عساکر	مشابه نقل «طبرانی» با سند متصل به راویان او.
۵۸۸ ق	مناقب آل ابی طالب <small>علیهم السلام</small>	ابن شهر آشوب	۱. دستور امام <small>علیه السلام</small> به آوردن لباسی که به آن رغبت نشود تا برهنه نشوند چرا که مقتول و مسلوب خواهند شد. ۲. آورده شدن شلوارک برای ایشان. ۳. آورده شدن لباسی که کوچکتر از شلوار و بزرگتر از شلوارک است.
۶۳۰ ق	الکامل فی التاریخ	ابن اثیر	مشابه نقل «ابومخنف» منهای عدم ذکر یمانی بودن و محکم بودن شلوار.
۶۵۸ ق	کفایة الطالب	گنجی شافعی	مشابه نقل طبرانی با سند جدید
۶۶۴ ق	اللہوف	سید بن طاوس	نقل عبارات ابومخنف و طبرانی در کنار هم با این تفاوت که لباسی را که حضرت، زیر لباس هایشان قرار می دهند، کهنه دانسته شده است.
۷۴۲ ق	تہذیب الکمال	مزی	نقل روایت طبری



منابع پس از قرن دهم تا زمان معاصر

سال وفات	نام کتاب	نام مؤلف	محتویات
۱۰۸۵ق	منتخب طریحی	طریحی	۱. آمدن امام <small>علیه السلام</small> به طرف خیمه و درخواست لباس کهنه‌ای که کسی به آن طمع نکند از خواهرشان تا آن را زیر لباس هایشان قرار دهند و برهنه نشوند. ۲. بلند شدن صدای زنان به گریه و ناله بلند. ۳. آورده شدن لباس و پاره کردن آن از اطرافش و گذاشته شدنش در زیر لباس‌ها. ۴. پاره شدن یک شلوار نو تا از تن شریف حضرت بیرون نشود.
۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ق	مدینه المعاجز	بحرانی	نقل روایت دوم خوارزمی با این اختلافات ۱. سند مرسل داشتن برخلاف نقل «خوارزمی» که سند نداشت. ۲. طولانی تر بودن. ۳. داستانی که جانی از شتریان بودن و همراهی اش با امام حسین <small>علیه السلام</small> و دیدن کمربند ارزشمند ایشان تعریف می‌کند. ۴. گفت‌وگوی رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> با سر مبارک اباعبدالله. ۵. نفرین پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> بر جانی و سیاه شدن او.
درگذشته پس از ۱۲۴۰ یا ۱۲۵۳ق	طوفان البکاء	جوهری	۱. طلب جامه کهنه از کنیزان و پوشیدن آن در زیر لباس‌ها. ۲. پرسش حضرت زینب <small>علیه السلام</small> از سبب پوشیدن جامه کهنه. ۳. پاسخ اباعبدالله <small>علیه السلام</small> به این که وقتی شمر لباسهایم را بیرون آورد، این جامه کهنه باقی بماند.
۱۲۹۷ق	ناسخ التواریخ	سپهر	۱. طلب جامه کهنه از حضرت زینب <small>علیه السلام</small> تا به آن رغبت نشود و حضرت با پوشیدن آن در زیر لباس‌ها، برهنه نشوند. ۲. آورده شدن لباس تنگ برای امام <small>علیه السلام</small> . ۲. رد آن به دلیل این که لباس اهل ذمه است و دستور دوباره به حضرت زینب <small>علیه السلام</small> برای آوردن لباس گشاد. ۳. آورده شدن، پاره شدن و پوشیدن آن در زیر لباس‌ها تا کسی به آن طمع نکند.
۱۳۰۳ق	اشک روان بر امیرکاروان	شوشتری و شهرستانی (مترجم کتاب مرحوم	۱. نقل روایتی بی منبع معتبر از حضرت زهرا <small>علیه السلام</small> خطاب به حضرت زینب <small>علیه السلام</small> درباره لباس حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> که امام <small>علیه السلام</small> ساعتی قبل از شهادتشان آن را طلب می‌کنند. ۲. طلب لباس کهنه از حضرت

سال وفات	نام کتاب	نام مؤلف	محتویات
		شوشتری)	زینب <small>علیها السلام</small> و پاره کردنش تا کسی به آن رغبت نکند و بدن شریفشان عریان نماند. ۳. رنگین شدن لباس به دلیل آغستگی به خون امام <small>علیه السلام</small> .
زاده ۱۳۰۰ ق	معالی السبطين	مازندرانی	دستور امام <small>علیه السلام</small> به خواهرش درباره این که لباس کهنه ای به ایشان بدهد تا در زیر لباس ها بپوشند چرا که بدون شک، غارت می شوند.
۱۳۹۱ ق	مقتل مقرر	مقرر	نقل ایشان مشابه گزارش لهوف است.
۱۳۹۰ ش	سالار شهیدان	شیخ الاسلامی	نقل روایت وصیت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> به حضرت زینب <small>علیها السلام</small> درباره لباس حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>
زاده ۱۳۲۶	قصه کربلا	نظری منفرد	روایت ایشان مشابه نقل لهوف است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

